اخبار

محسنی‌اژه‌ای:

اقرار ترامپ مبنی بر مشارکت در جنگ علیه ایران پیگیری شود

رئیس قوه قضائیه دیروز طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه دستور داد اقرار ترامپ مبنی بر مشارکت در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران توسط دادستان کل کشور پیگیری شود.

او در این نشست گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر به ارتکاب جنایت علیه ایران و ایرانیان اعتراف و اقرار صریح کرد و گفت در تجاوز به ایران در خلال جنگ ۱۲ روزه، رأساً و مستقیماً مداخله داشته است؛ این اعتراف و اقرار صریح و بیّن از زاویه قواعد حقوقی و کیفری و حقوق مصرح بین‌المللی، واجد تبعاتی است؛ لذا دادستان کل کشور و معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه، تمهیدات رسیدگی به این جنایت در محاکم بین‌المللی و داخلی را فراهم آورند؛ باید توجه داشت یکی از مستندترین دلایل برای اثبات جرم، اقرار است».

وی همچنین تأکید کرد در راستای پیگیری تمهیدات ناظر بر مقابله قانونی و قاطعانه با ناهنجاری‌های اجتماعی طی ایام اخیر، مجدداً دستوراتی را در راستای مقابله قانونی و قاطعانه با جریانات سازمان‌یافته مروج ناهنجاری‌های اجتماعی و مظاهر این ناهنجاری‌ها از جمله بی‌حجابی و نیمه‌برهنگی صادر کرده است.

دیدار عارف و نخست‌وزیر روسیه در مسکو

معاون اول رئیس‌جمهور که با هدف شرکت در بیست‌وچهارمین نشست نخست‌وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به مسکو سفر کرده است، در نخستین برنامه سفر رسمی خود با میخائیل میشوستین، نخست‌وزیر روسیه دیدار کرد.

محمدرضا عارف که در رأس هیأتی سیاسی و اقتصادی از جمله با همراهی وزیر صنعت، معدن و تجارت به مسکو سفر کرده است، بر اراده جمهوری اسلامی ایران بر تقویت مناسبات با روسیه تاکید کرد.

معاون اول رئیس‌جمهور کشورمان با اشاره به امضای معاهده جامع راهبردی تهران و مسکو در سفر دی‌ماه ۱۴۰۳ مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران به مسکو گفت: این سند، راهنمای حرکت و ارتقای روابط ۲ کشور به بالاترین سطح است.

حضرتی:

هیچ استعفایی در دولت مطرح نیست

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت اظهار کرد: شایعه استعفای اعضای دولت از آن دست موضوعاتی است که بارها در فضای مجازی منتشر شده است، این شایعات چندین بار درباره رئیس‌جمهور و اخیراً نیز درباره دکتر عارف، معاون اول رئیس‌جمهور مطرح شده و در گذشته نیز درباره برخی وزرا، معاونان رئیس‌جمهور و رئیس کل بانک مرکزی چنین اخباری منتشر شد که هیچ‌کدام از این موارد صحت ندارد.

الیاس حضرتی با بیان اینکه هیچ استعفایی در دولت مطرح نیست، افزود: تمام اعضای دولت محکم، هماهنگ و یک‌دست در تلاش شبانه‌روزی برای حل مشکلات کشور هستند و قطعاً این مشکلات حل خواهد شد، کمااینکه بسیاری از این مشکلات نیز در حال حل شدن است.

توجه رسانه‌های غرب به پارک ملی هوافضای سپاه

پارک ملی هوافضا که به نمایشگاه دائمی نظامی ایران در حوزه موشکی تبدیل شده، هفته گذشته سوژه چندین رسانه غرب بود.

وب‌سایت خبری ان‌بی‌سی‌نیوز در گزارشی با اشاره به بازدید عمومی از این پارک و برشمردن تسلیحات به نمایش درآمده مانند موشک فتاح و پهپادهای هجومی مانند شاهد ۱۳۶، تصریح کرد این نمایشگاه در پی اثبات باور ایران به خودکفایی نظامی است و در واقع، به شکلی غیررسمی پاسخ ایران به تحریم‌های آمریکا به شمار می‌رود. وب‌سایت خبری یورونیوز نیز در گزارشی آورده است ایران به تولید موشک به صورت ۲۴ ساعته ادامه می‌دهد.

بررسی فرصت‌های پیمان شانگهای به بهانه حضور معاون اول رئیس جمهور در اجلاس نخست‌وزیران این سازمان

ایران پل اوراسیا

گروه سیاسی: معاون اول رئیس‌جمهور یکشنبه ۲۵ آبان/ ۱۶ نوامبر در رأس هیاتی بلندپایه عازم مسکو شد تا در بیست‌وچهارمین اجلاس شورای نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای شرکت کند. این نشست که روزهای ۲۶ و ۲۷ آبان (۱۷ و ۱۸ نوامبر) در پایتخت روسیه در حال برگزاری است، بر محورهایی مانند تدوین برنامه همکاری‌های اقتصادی چندجانبه برای سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰، تصویب بودجه سازمان و صدور بیانیه‌ای مشترک تمرکز دارد. محمدرضا عارف علاوه بر سخنرانی در جلسات اصلی، فرصت دیدارهای دوجانبه با همتایان روس، چینی، هندی و دیگر رهبران را خواهد داشت؛ گفت‌وگوهایی که می‌تواند پیوندهای اقتصادی و امنیتی میان ایران و گستره وسیع آسیای شرقی و اوراسیا را استحکام بخشد. این سفر، فراتر از یک رویداد دیپلماتیک معمول، نمادی از تعهد ایران به چارچوب‌های چندجانبه‌گرایانه است و در دل چالش‌های جهانی، بر استراتژی «نگاه به شرق» تأکید می‌ورزد؛ استراتژی‌ای که با عضویت در سازمان‌هایی همچون شانگهای، بریکس‌پلاس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به دنبال بازسازی جایگاه ایران در نظم نوظهور جهانی است.

■ افق‌های اقتصادی؛ مسیری به سوی تنوع‌بخشی و رشد پایدار

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای از سال ۱۴۰۰، درهای جدیدی به سوی بازارهای پهناور گشوده و کشور را به شبکه‌ای از تجارت و سرمایه‌گذاری متصل کرده که وابستگی به بازارهای سنتی را به حداقل می‌رساند. این سازمان، با پوشش بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان و جمعیتی بالغ بر ۳ میلیارد نفر، بستری برای مبادلات تجاری فراهم می‌آورد که می‌تواند موتور محرک تنوع اقتصادی ایران باشد. بر اساس آمارهای رسمی، حجم تجارت ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۵۰ میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی‌ها از رشد ۲۵ درصدی در سال جاری خبر می‌دهد. این روند، با تأکید بر ارزهای محلی همچون یوآن، نوسانات دلار را برای اقتصاد ایران کمرنگ می‌کند و زمینه‌ساز کاهش تورم مزمن به زیر ۳۰ درصد در میان‌مدت می‌شود.

از سوی دیگر بریکس‌پلاس که ایران از دی ۱۴۰۲ به عضویت آن درآمد، ظرفیت‌های مشابهی اما در مقیاسی جهانی‌تر عرضه می‌کند. این ائتلاف، با نمایندگی ۴۵ درصد جمعیت جهان و ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی (بیش از ۳۵ تریلیون دلار به برابری قدرت خرید)، بستری برای گسترش صادرات فراهم آورده است. بانک توسعه نوین بریکس که تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در پروژه‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری کرده، می‌تواند برای ایران ابزاری کلیدی در تأمین مالی طرح‌های حمل‌ونقلی باشد. برای مثال، کریدور بین‌المللی شمال - جنوب که ایران را به عنوان هاب مرکزی به هند و روسیه پیوند می‌دهد، با حمایت بریکس‌پلاس می‌تواند زمان ترانزیت کالا را از ۶۰ روز به ۲۵ روز کاهش دهد، هزینه‌ها را ۳۰ درصد پایین آورد و ظرفیت سالانه ۳۰ میلیون تن بار را فعال کند که طبق پیش‌بینی‌های بانک توسعه اوراسیا تا سال ۲۰۳۰، ۱,۵ میلیارد دلار درآمد ترانزیتی برای ایران به ارمغان می‌آورد. این ظرفیت‌ها در حالی که تحریم‌ها دسترسی به فناوری‌های غرب را محدود کرده، تهران را به سوی شراکت‌های فناورانه با دهلی و پکن سوق می‌دهد؛ جایی که انتقال دانش در حوزه‌های انرژی تجدیدپذیر و هوش مصنوعی می‌تواند رشد اقتصادی را به ۴ درصد در سال ۲۰۲۶ برساند.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز به عنوان مکملی برای این ۲ سازمان، دستاوردهای ملموسی برای تجارت ایران به همراه آورده است. توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از اردیبهشت ۱۴۰۴ اجرایی شد و تعرفه‌ها را بر ۸۷ درصد کالاها حذف کرد، حجم مبادلات را از ۶,۲ میلیارد دلار در ۱۴۰۳ به بیش از ۷,۵ میلیارد دلار در نیمه نخست ۱۴۰۴ رساند.

در مجموع، این سازمان‌ها می‌توانند لکوموتیو تجارت ایران شوند؛ جایی که صادرات غیرنفتی، با رشد ۲۰ درصدی در سال جاری، به ۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۷ برسد و تعادل تراز تجاری را با مازاد ۳۱ میلیارد دلاری تثبیت کند. چنین تحولی، نه‌تنها اقتصاد را از رکود رها می‌کند، بلکه ضمن اشتغال‌زایی برای میلیون‌ها نیروی جوان، بنیانی برای توسعه پایدار می‌ریزد. صادرات نفت ایران نیز با میانگین ۱,۶۳ میلیون بشکه در روز در نیمه نخست ۱۴۰۴ (عمدتاً به چین)، بیش از ۸۵ درصد درآمد ارزی را تأمین می‌کند و با کاهش وابستگی به دلار بیش از ۶۰ درصد معاملات با ارزهای محلی انجام می‌شود.

■ امنیت و تجارت؛ سپری استوار در برابر ناآرامی‌های جهانی

در قلمرو امنیت، سازمان‌هایی چون سازمان همکاری شانگهای و بریکس‌پلاس فراتر از ابعاد اقتصادی، چارچوبی برای همکاری‌های دفاعی و اطلاعاتی فراهم می‌آورند که در شرایط پرتلاطم کنونی، حیاتی است. سازمان همکاری شانگهای، با تمرکز بر مقابله با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرایم سایبری، ایران را به شبکه‌ای از اطلاعات مشترک با روسیه، چین و آسیای مرکزی وصل کرده است.

بریکس‌پلاس نیز با تأکید بر امنیت انرژی، ایران را به عنوان صادرکننده عمده نفت (یک میلیون و ۶۳۰ هزار بشکه روزانه در نیمه نخست ۱۴۰۴) به بازارهای امن چین و هند متصل می‌کند. این گروه، با پیشنهادهایی برای «غیردلاری‌سازی تجارت انرژی»، می‌تواند تحریم‌های ثانویه را خنثی کند و حجم صادرات نفت ایران به بریکس‌پلاس را به ۲ میلیون بشکه در روز برساند. این همکاری‌ها در بستری از آشوب جهانی از جنگ اوکراین تا رقابت‌های دریایی در اقیانوس هند، دست ایران را باز می‌کند و به کشور اجازه می‌دهد نقش «پل اوراسیا» را ایفا کند؛ نقشی که امنیت ملی را با تجارت گره می‌زند و ثبات منطقه را هم استحکام می‌بخشد.

■ نگاه موشکافانه؛ از پتانسیل‌های درخشان تا کاستی‌های اجرایی

عضویت در سازمان همکاری شانگهای، بریکس‌پلاس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، باید به عنوان لکوموتیو اقتصادی عمل کند؛ به عنوان نمادی از دیپلماسی نمادین که تحول واقعی را برای ایران در پی دارد.

مزایای این اتحادها برای ایران غیرقابل انکار است: سازمان همکاری شانگهای با تجارت ۳۷ میلیارد دلاری در ۱۴۰۳ و مانورهای امنیتی مشترک، پلی به سوی ثبات منطقه‌ای می‌سازد، بریکس‌پلاس با بانک توسعه نوین و ظرفیت ۳۰ میلیون تنی کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، درآمد ۵ میلیارد دلاری ترانزیتی تا سال ۲۰۳۰ را وعده می‌دهد و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توافق ۱۴۰۴ و رشد ۲۲ درصدی تجارت به ۷ و نیم میلیارد دلار، بازاری ۱۸۳ میلیونی را باز می‌کند. اینها می‌توانست تورم را مهار، صادرات غیرنفتی را ۲ برابر و امنیت انرژی را تضمین کند.

البته باید توجه داشت این نتایج در صورت توجه به این امکان‌ها به عنوان یک برنامه اصلی است، نه یک برنامه جایگزین. تأکید بر «نگاه به شرق» باید به شکل واقعی در حکم رشد و شکوفایی روابط اقتصادی، تجاری و امنیتی با شرق، بویژه روسیه و چین، دیده شود؛ موضوعی که در گام نخست با اجرای توافقات جامع ۲۵ ساله با چین و ۲۰ ساله با روسیه محقق خواهد شد.

برای نمونه، حجم تجارت با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به رغم توافق ۱۴۰۴، تنها ۲۲ درصد رشد داشته، در حالی که پیش‌بینی‌ها ۵۰ درصد بود؛ این شکاف، ریشه در تأخیرهای بروکراتیک ناشی از اولویت‌دهی به کانال‌های غربی و عدم هماهنگی میان وزارتخانه‌های خارجه، صنعت و اقتصاد دارد. پروژه کریدور بین‌المللی شمال - جنوب که می‌توانست تجارت از مسیر ایران را ۲ برابر کند، هنوز به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری داخلی (کمتر از ۳۰ درصد تعهدات) در حد ۵۰ درصد ظرفیت عمل می‌کند. این ناکارآمدی، اقتصاد ایران را در برابر تورم ۴۲,۴ درصدی و کاهش ارزش ریال آسیب‌پذیر نگه داشته و فرصت‌های اشتغال‌زایی را هدر می‌دهد. به‌رغم تمام توافقات و معاهدات اجرایی میان تهران - مسکو و تهران - پکن، شاهد عدم رشد واقعی در تجارت و سرمایه‌گذاری میان ایران و کشورهای شرق هستیم که ماحصل آن، عدم اثرگذاری این توافقات بر اقتصاد کشور است.

در حوزه امنیت نیز دولت باید از سازمان همکاری شانگهای برای ایجاد مکانیسم‌های عملی ضدتحریم بهره ببرد؛ مانورهای مشترک و اجرای تعهدات الزام‌آور برای حمایت مالی یا اطلاعاتی در برابر حملات سایبری غرب باید در نخستین فرصت به تحقق برسد. بریکس‌پلاس - با وجود پیشنهادهای غیردلاری‌سازی - تنها ۳۰ درصد معاملات ایران را بدون دلار پوشش می‌دهد؛ رقمی ناچیز که نشان‌دهنده ترس شرکا از تحریم‌های ثانویه و برخی تردیدها و تعلل‌های داخلی است. ادامه این روند ایران را به «بازیگر کم بهره» در این سازمان‌ها تبدیل می‌کند؛ جایی که عضویت بیشتر جنبه سیاسی دارد تا اقتصادی و دولت به جای پیگیری توافقات اجرایی، بر لفاظی‌های ضدغربی تکیه می‌کند. در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تأخیر در تصویب پروتکل‌های گمرکی، صادرات صنعتی را محدود به ۵۰ درصد اهداف نگه داشته و پتانسیل ۲۰ میلیارد دلاری تجارت تا سال ۲۰۳۰ را دور از دسترس قرار داده است.

مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد بدون اصلاحات داخلی از جمله کاهش بروکراسی و کنار گذاشتن نگاه غرب‌گرایانه مدیران، این سازمان‌ها نمی‌توانند لکوموتیو رشد اقتصادی کشور شوند. دولت با تمرکز بر حل مشکلات از راه ارتباط با غرب، باید ارزش فرصت‌های عملی را درک کرده و اقتصاد را از چرخه وابستگی به نفت جدا کند. در شرایطی که جهان به سوی چندقطبی‌گرایی می‌رود، این عملکرد، ایران را از مزایای واقعی محروم می‌کند.

■ چشم‌اندازهای پیش رو؛ از نماد به عمل‌گرایی راهبردی

سفر معاون اول رئیس‌جمهور به مسکو، فرصتی استثنایی برای بازنگری این رویکرد فراهم می‌آورد. اجلاس نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای می‌تواند با تمرکز بر برنامه ۲۰۳۰-۲۰۲۶، تعهدات اجرایی برای کریدور بین‌المللی شمال - جنوب و تجارت آزاد را عملی کند و ایران را به هاب واقعی اوراسیا بدل کند. با بهره‌گیری از بریکس‌پلاس برای سرمایه‌گذاری‌های بانک توسعه نوین در انرژی سبز و از اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای صادرات ۵۰ درصدی صنعتی، تهران می‌تواند رشد ۵ درصدی را هدف گیرد و امنیت را با دیپلماسی اقتصادی پیوند زند اما این دگرگونی، نیازمند اراده‌ای فراتر از شعار است: هماهنگی نهادها، جذب سرمایه خصوصی، پیگیری مستمر توافقات و کنار گذاشتن نگاه غرب‌گرایانه در سطوح مدیریتی. در نهایت، این سازمان‌ها نه‌تنها دستاوردهای اقتصادی و امنیتی دارند، بلکه می‌توانند نمادی از تاب‌آوری ایران باشند، مشروط به اینکه دولت از حاشیه‌نشینی برخیزد و به میدان عمل قدم نهد. در جهانی پرتلاطم، این چندجانبه‌گرایی، کلید بقا و بالندگی است؛ کلیدی که می‌تواند قفل چالش‌ها را بگشاید.

پروپاگاندای ارتش صهیونی در خدمت سلطنت‌طلبان

شکست مکرر فراخوان‌های سلطنت‌طلبان

سیدعلی موسوی

در روزهای اخیر، فضای مجازی فارسی‌زبان شاهد موجی از تصاویر و ویدئوهای بحث‌برانگیز بوده که ظاهراً نشان‌دهنده نارضایتی در میان نیروهای نظامی ایران است. این موج با انتشار ویدئویی از ۲ نفر با لباس نظامی در ایستگاه متروی امام خمینی تهران آغاز شد؛ جایی که آنها پرچم شیر و خورشید - نماد دوران پهلوی - را به نمایش گذاشتند. این ویدئو که ۲۱ آبان ۱۴۰۴ ضبط شده، توسط اکانت‌های رسمی ارتش صهیونیستی به فارسی (@IDF_Fa) و اسرائیل به فارسی (@IsraelPersian) بازنشر شد و با هشتگ‌هایی مانند «گارد جاویدان ایران»، «همکاری ملی» و «جاوید شاه» همراه شد. این رویدادها نه‌تنها نشانه‌ای از یک کمپین پروپاگاندایی هماهنگ است، بلکه بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای بهره‌برداری از نارضایتی‌های داخلی ایران به نفع منافع خارجی و ایدئولوژیک سلطنت‌طلبان محسوب می‌شود.

■ ریشه‌های کمپین؛ از جمع‌آوری امضا تا دفترچه گارد جاویدان

موج اخیر را نمی‌توان جدا از پروژه‌های پیشین سلطنت‌طلبان بررسی کرد. رضا پهلوی، فرزند آخرین دیکتاتور ایران، بارها ادعا کرده با «نیروهای نظامی زیادی» در ارتباط است. کارزار «همکاری ملی» او که در سال‌های اخیر راه‌اندازی شده، به دنبال جمع‌آوری امضا و تعهد از اعضای نیروهای مسلح، انتظامی و امنیتی ایران است تا آنها را به «پیوستن به ملت» ترغیب کند. این کمپین که شبیه طرح‌های پیشین مانند «وکالت می‌دهم» است، ظاهراً برای نشان دادن حمایت داخلی از پهلوی به قدرت‌های خارجی مانند آمریکا و اسرائیل طراحی شده.

پس از این، انتشار دفترچه «گارد جاویدان» یک راهنمای ۱۳ صفحه‌ای برای تشکیل گروه‌های شورشی نقطه عطف بود. این دفترچه که نعل به نعل از ایده «کانون‌های شورشی» سازمان مجاهدین (منافقین) خلق و گروهک ری‌استارت کپی‌برداری شده، نشان‌دهنده تلاش برای سازمان‌دهی اقدامات مسلحانه یا اعتراضی است. جالب این است که این دفترچه نیز با حمایت اکانت‌های صهیونی همراه بوده و به عنوان ابزاری برای ترویج ایده «قیام مسلحانه» علیه جمهوری اسلامی استفاده شده.

■ تصاویر جعلی و نقش هوش مصنوعی؛ پروپاگاندای دیجیتال

پس از انتشار ویدئوی مترو، شاهد تصاویر و فیلم‌های دیگری بودیم که ظاهراً نظامیان ایرانی را در حال حمایت از سلطنت نشان می‌داد اما بسیاری از اینها جعلی یا قدیمی بود. برخی با هوش مصنوعی ساخته شده؛ مانند تصاویری که چهره‌های نظامی را با نمادهای پهلوی ترکیب کرده و برخی دیگر فیلم‌های آرشیوی از دوران پیش از انقلاب یا حتی از کشورهای دیگر است. البته رسانه‌ها اعلام کردند ۲ نفر ویدئوی مترو اصلاً نظامی واقعی نبودند و لباس‌های جعلی به تن داشتند و آنها را دستگیر کرده‌اند. جدا از این موضوع، آنچه واضح است، بهره‌برداری سریع اکانت‌های صهیونی از این تصاویر است.

ارتش صهیونی در پست‌های خود، این رویدادها را به عنوان «قیام قهرمانانه» توصیف کرده و حتی به اسطوره‌های ایرانی مانند رستم و کاوه اشاره کرده تا احساسات ملی‌گرایانه را تحریک کند. این رویکرد، بخشی از استراتژی پروپاگاندایی رژیم برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران از طریق حمایت از اپوزیسیون سلطنت‌طلب است. در این بین نقد اصلی این است: این حمایت نه از سر دلسوزی برای ایران، بلکه برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیک رژیم اشغالگر در منطقه است. سلطنت‌طلبان که اغلب به عنوان «اپوزیسیون» معرفی می‌شوند، در این بازی به ابزاری برای این پروپاگاندا تبدیل شده‌اند؛ بدون اینکه پایگاه مردمی واقعی داشته باشند.

■ فراخوان ۲۵ آبان؛ شکست مفتضحانه و درس‌های آن

اوج این کمپین، فراخوان اعتراضی پریروز -یکشنبه ۲۵ آبان/ ۱۶ نوامبر - بود که توسط سلطنت‌طلبان برای ساعت ۷ صبح اعلام شد. این فراخوان که با ادعای «میلیونی» بودن همراه بود، در عمل به یک شکست کامل تبدیل شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد حتی یک نفر هم به خیابان‌ها نیامد و فضای مجازی پر از تمسخر و انتقاد از این «فراخوان» شد. منتقدان آن را «دعوای شبکه منوتو» نامیدند؛ اشاره‌ای به رسانه وابسته به سلطنت‌طلبان که تلاش کرد آن را بزرگ‌نمایی کند.

این شکست، نه‌تنها منفوریت سلطنت‌طلبان در میان مردم ایران را برجسته کرد، بلکه نشان داد پروپاگاندای خارجی مانند حمایت ارتش صهیونی نمی‌تواند جایگزین حمایت مردمی واقعی شود، در حالی که سلطنت‌طلبان ادعا می‌کنند آینده ایران در دستان آنهاست!

این زنجیره رویدادها از تصاویر مترو تا شکست فراخوان، نمونه‌ای کلاسیک از پروپاگاندای خارجی است که از طریق گروه‌های اپوزیسیون وابسته پیش می‌رود. ارتش صهیونی، با استفاده از اکانت‌های فارسی‌زبان خود تلاش می‌کند نارضایتی‌های داخلی را به نفع خود هدایت کند، در حالی که سلطنت‌طلبان به عنوان واسطه عمل می‌کنند.

گسترش روابط ایران و چین نگرانی جدید رژیم صهیونیستی

سد بزرگ شرق

حامد پارسافر

در حالی که نگاه‌ها عمدتا بر جنگ غزه، نبرد اوکراین، تجاوز قریب‌الوقوع احتمالی آمریکا به ونزوئلا و رقابت راهبردی واشنگتن - پکن متمرکز است، یک واقعیت کمتر دیده‌شده اما اثرگذار در حال شکل‌گیری است: تعمیق همکاری‌های فناورانه، امنیتی و نظامی ایران و چین؛ همکاری مهمی که امروز نه صرفا یک رابطه کلاسیک خریدار و فروشنده، بلکه یک تفاهم چندلایه با پیامدهای مستقیم برای ساختار قدرت غرب آسیاست. گزارش موسسه مطالعات امنیت قومی اسرائیل (INSS) درباره روابط دانشگاهی میان ۷ پسر (۷ دانشگاه برتر دفاع ملی چین) و نهادهای وابسته به وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران، تنها نوک کوه یخ این مشارکت است؛ مشارکتی که از پهپاد، ماهواره و هوافضا تا حوزه سایبری و انرژی هسته‌ای را پوشش می‌دهد. برای فهم تصویر کامل‌تر، باید چند مولفه دیگر را هم کنار این پازل قرار داد.

■ تایوان، رژیم صهیونی و خطوط قرمز پکن؛ فرصتی که نباید از دست داد

چین همکاری‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی با تایوان را نقض مستقیم خطوط قرمز خود تلقی می‌کند؛ بویژه همکاری در حوزه پدافند و سامانه‌های رهگیر که از نگاه پکن، توان نظامی تایپه را بشدت تقویت می‌کند. در چنین فضایی، ایران به عنوان کشوری که عملا در چالش با رژیم اشغالگر است، می‌تواند نقطه اتکای تازه‌ای برای پکن باشد. چین خوب می‌داند تل‌آویو در سال‌های اخیر از اولویت‌های آن فاصله گرفته و کاملا در محور «آمریکا - هند - تایوان» تعریف شده است. همین اختلاف ساختاری، بستر مطلوبی ایجاد کرده تا تهران به شریک مطمئن‌تری برای انتقال فناوری‌های حساس تبدیل شود، بی‌آنکه پکن را در رویارویی مستقیم با واشنگتن قرار دهد.

■ کیفیت تجهیزات چینی؛ از نگاه دنیای واقعی و نه روایت‌های غربی!

غرب سال‌ها تلاش کرد تجهیزات چینی را «کم‌کیفیت» جلوه دهد اما میدان نبرد جای شعار نیست.

نمونه روشن آن، درگیری اخیر پاکستان با هند بود؛ جایی که جنگنده‌های 17JF بلاک III مجهز به موشک‌های چینی 15PL توانستند عملاً برتری هوایی رافال‌های فرانسوی را خنثی کنند. این اتفاق برای متخصصان دفاعی یک پیام روشن داشت: نسل جدید تجهیزات چین کاملا قابل اتکا و در برخی حوزه‌ها حتی پیشرو است. برای ایران - که امروز ستون اصلی دکترین بازدارندگی‌اش بر پهپاد، موشک و جنگال استوار است - همکاری با کشوری که در همین حوزه‌ها جهش‌های واقعی داشته، یک انتخاب طبیعی و حساب‌شده به نظر می‌رسد.

■ انرژی و ژئواکونومی؛ پیشران خاموش همکاری نظامی

چین بزرگ‌ترین مشتری نفت ایران است و در توافق ۲۵ ساله عملا امنیت انرژی‌اش را به ثبات رابطه با تهران گره زده است.

این وابستگی انرژی، فقط یک تبادل نفتی نیست، مقدمه‌ای است برای تعمیق همکاری‌ها در لایه‌های حساس‌تر:

- پروژه‌های مشترک در صنایع پالایشی و پتروشیمی
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی
- توسعه مشترک تجهیزات امنیت انرژی

اینها می‌تواند روابط ۲ کشور را از «همکاری تاکتیکی» به سطح مهمی از همپیمانی راهبردی و بلندمدت ارتقا دهد.

■ محور CRINK و پیام روشن به واشنگتن و تل‌آویو

محور در حال ظهور CRINK - شامل چین، روسیه، ایران و کره‌شمالی - عملاً یک شبکه تبادل فناوری، تسلیحات و تجربه جنگی تشکیل داده است. این محور، برخلاف پیمان‌های کلاسیک، ساختاری غیررسمی اما بسیار انعطاف‌پذیر و مؤثر دارد.

برای آمریکا و رژیم صهیونی، این وضعیت چند تهدید راهبردی ایجاد می‌کند:

- کم‌اثر شدن تحریم‌ها از طریق زنجیره فناوری آسیایی
- دسترسی ایران به فناوری‌های پیشرفته‌تر در هوافضا، رادار، موشک و فناوری سایبری
- حضور پررنگ‌تر روسیه و چین در مسائل غرب آسیا و در نتیجه تضعیف نفوذ واشنگتن در این منطقه
- شکل‌گیری یک بلوک تجهیزاتی مستقل که می‌تواند الگوی تسلیحاتی منطقه را دگرگون کند.

به عبارت دقیق‌تر، ایران امروز نه‌تنها از تحریم‌ها عبور کرده، بلکه تبدیل به گره اتصال فناوری‌های پیشرفته شرق آسیا با نیازهای امنیتی غرب آسیا شده و این دقیقا نقطه‌ای است که واشنگتن و تل‌آویو از آن بیشترین نگرانی را دارند.

■ فرصت تاریخی ایران، زنگ خطر غرب

مجموعه شواهد، از همکاری دانشگاهی گرفته تا تبادل فناوری دفاعی، انرژی و ژئواکونومی، نشان می‌دهد ایران و چین در حال ورود به یک مرحله تازه از همکاری هستند؛ مرحله‌ای که می‌تواند نظم دفاعی و سیاسی منطقه را دگرگون کند. چین در ظاهر محتاط و خنثی اما در عمل در حال ساختن یک شبکه قدرت چندلایه است و ایران در این شبکه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. برای ایران، این یک فرصت تاریخی برای ارتقای توان بازدارندگی، تنوع‌بخشی به منابع فناوری و تقویت استقلال است و برای آمریکا و رژیم موقت صهیونیستی، مسیری است که می‌تواند توازن قوا در منطقه را به شکل بنیادین تغییر دهد.